

عمده نفت جزایر ایرانی در اختیار امارات!

بهره برداری امارات از منابع آریانا و زرکوه نتیجه غفلت و نظارت ضعیف نهادهای مسئول

گروه انرژی – مرضی فاخری – در

سال‌های اخیر، اهمیت جزایر کوچک اما استراتژیک خلیج فارس بیش از پیش آشکار شده است. جزیره ۱۲ کیلومتری آریانا و جزیره ۸ کیلومتری زرکوه، با قرارگیری در مسیرهای حیاتی دریایی و برخورداری از منابع نفتی قابل توجه، همواره نقش مهمی در تأمین امنیت انرژی و ثبات اقتصادی ایران داشته‌اند. با این حال، بررسی‌های میدانی و آماری نشان می‌دهد که در دوره‌های اخیر، این دو جزیره به طور فزاینده‌ای از کنترل و بهره‌برداری مستقیم ایران خارج شده‌اند و اکنون امارات متحده عربی روزانه حدود ۵۵۰ هزار بشکه نفت از این مناطق استخراج می‌کند. این میزان معادل تقریبی یک‌سوم صادرات نفت ایران در دوره زمانی خروج دولت ترامپ از برجام تا آغاز دولت بایدن است و نشان می‌دهد که غفلت در مدیریت بین‌المللی و مالکیت و بهره‌برداری از منابع طبیعی نیازمند اعمال حاکمیت مستمر و نظارت دقیق است و فقدان این اقدامات، زمینه را برای بهره‌برداری خارجی و تحکیم مالکیت طرف مقابل فراهم می‌آورد.

به گزارش اقتصاد سرآمد، مرضی فاخری، پژوهشگر ارشد علوم راهبردی در مطبی اختصاصی برای این روزنامه به بررسی اهمیت استراتژیک دو جزیره ایرانی آریانا و زرکوه در خلیج فارس پرداخته است. نگارنده در این مطلب با نگاهی به ابعاد حقوقی و امنیتی بهره‌برداری کشور امارات متحده عربی از منابع نفتی این دو جزیره ایرانی، راهکارهایی برای حل و عبور از این چالش پیشنهاد داده است. این مطلب را در ادامه می‌خوانید:

پیامدهای این غفلت تنها محدود به اقتصاد نمی‌شود و ابعاد امنیتی، سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای را نیز در بر می‌گیرد. کاهش درآمدهای نفتی، محدود شدن توان مالی دولت برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و کاهش قدرت چانه‌زنی در بازارهای بین‌المللی از یک سو و اثرات امنیتی ناشی از ضعف کنترل منابع استراتژیک از سوی دیگر، همگی نشان می‌دهند که مدیریت ناکافی جزایر و منابع نفتی می‌تواند تبعات بلندمدت و چندوجهی داشته باشد. این وضعیت ضرورت بازنگری در سازوکارهای تصمیم‌گیری ملی، ایجاد هماهنگی میان نهادهای مسئول و افزایش شفافیت و نظارت بر منابع استراتژیک را آشکار می‌سازد و بر اهمیت تدوین سیاست‌های پایدار در حوزه مدیریت منابع طبیعی تأکید می‌کند. تجربه دو جزیره آریانا و زرکوه نمونه‌ای ملموس از پیامدهای غفلت مدیریتی و هشداري روشن برای سیاستگذاران و نهادهای اجرایی کشور است.

زمینه و اهمیت استراتژیک جزایر آریانا و زرکوه

جزایر آریانا و زرکوه، با وسعت‌های محدود به ترتیب ۱۲ و ۸ کیلومتر، در بخش جنوبی خلیج فارس و در نزدیکی خطوط حیاتی دریایی ایران واقع شده‌اند و به دلیل موقعیت جغرافیایی حساس، نقش مهمی در تأمین امنیت انرژی و ثبات اقتصادی کشور دارند. این جزایر، هر چند از نظر مساحت کوچک به نظر می‌رسند، اما دارای ذخایر نفتی قابل توجه و ظرفیت‌های اقتصادی مهمی هستند که می‌توانند سهم چشمگیری در تولید و صادرات نفت ایران داشته باشند. علاوه بر منابع انرژی، نزدیکی این مناطق به مسیرهای ترانزیت دریایی و بنادر استراتژیک، اهمیت آنها را در حوزه امنیت ملی دوچندان می‌کند. کنترل و مدیریت این جزایر به معنای توانایی ایران در نظارت بر حرکت نفتکش‌ها، حفظ ثبات در بازار انرژی منطقه‌ای و ایجاد بازدارندگی در برابر اقدامات احتمالی کشورهای همسایه است و هرگونه غفلت در این حوزه می‌تواند اثرات گسترده اقتصادی و امنیتی به دنبال داشته باشد.

از دیدگاه اقتصادی، ذخایر نفتی جزایر آریانا و زرکوه فرصت قابل توجهی برای افزایش درآمدهای نفتی و تقویت بودجه ملی فراهم می‌کنند. بهره‌برداری مستمر و مدیریت دقیق این منابع، علاوه بر تأمین منافع اقتصادی، نقش مهمی در ارتقای جایگاه ایران در بازارهای انرژی و دیپلماسی بین‌المللی دارد. هرگونه کوتاهی یا ضعف در اعمال نظارت و نظارت، می‌تواند کاهش در آمد ملی، محدود شدن توان مالی دولت برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی و کاهش ظرفیت رشد اقتصادی کشور را به دنبال داشته باشد. همچنین، این جزایر به عنوان نقاط حساس امنیتی، توان بازدارندگی و نفوذ ایران در منطقه را شکل می‌دهند و فقدان کنترل مستمر می‌تواند زمینه بهره‌برداری طرف‌های خارجی را فراهم آورد. بنابراین، اهمیت این مناطق نه تنها در ظرفیت اقتصادی و انرژی آنها، بلکه در جایگاه استراتژیک و امنیتی ایران در خلیج فارس و بازار نفت منطقه‌ای مشهود است و مدیریت صحیح و پایدار این جزایر کلب حفظ منافع ملی و ثبات انرژی کشور به شمار می‌آید.

فرایند از دست رفتن کنترل و بهره‌برداری خارجی

فرآیند جدایی رسمی جزایر آریانا و زرکوه از حاکمیت ملی، بر بستر تحولات تاریخی ناشی از مداخلات

سرآمد بررسی کرد؛

استعماری و باز تعریف مرزهای دریایی در منطقه خلیج فارس صورت پذیرفت. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل

قرن بیستم میلادی، با گسترش نفوذ و رقابت قدرت‌های استعماری، به ویژه بریتانیا، در امور سواحل جنوبی خلیج فارس، معادلات سنتی حاکم بر این آبراه دستخوش تغییرات بنیادین شد. این دوران مصادف با ضعف ساختارهای مرکزی در ایران بود که نظارت مؤثر بر تمامی نقاط مرزی، به ویژه جزایر دورافتاده را با چالش مواجه ساخته بود. بریتانیا با انعقاد قراردادهای الحاقی تحت الحمایگی با شیوخ محلی و با تفسیر یک‌جانبه از قراردادهای مرزی پیشین، به تدریج ادعاهای مالکیتی بر این جزایر مطرح و با گذشت زمان، کنترل عملیاتی خود را بر آنها تثبیت نمود.

این روند در نهایت با خروج بریتانیا از منطقه و تشکیل کشورهای جدید در ساحل جنوبی خلیج فارس در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی به نقطه عطفی رسید. بریتانیا پیش از خروج، اقدام به تعیین مرزهای دریایی میان این شیخ‌نشین‌های تازه تأسیس نمود و در این تقسیم‌بندی‌ها، کنترل جزایر مذکور را نیز به آنها منتقل کرد. دولت وقت ایران که در آن مقطع فاقد روابط

دیپلماتیک مؤثر با این کشورهای نوپا بود و همچنین از پشتیبانی بین‌المللی لازم برخوردار نبود، نتوانست ادعاهای تاریخی خود را به صورت عملی احیا کند. بنابراین، جدا شدن این جزایر نه از طریق یک نبرد نظامی، بلکه در نتیجه یک فرآیند تدریجی حقوقی – سیاسی هدایت شده توسط یک قدرت استعماری و در یک بازه تاریخی خاص رقم خورد و در نقشه‌های جغرافیایی جدید تثبیت گردید.

ایسن دو جزیره به دلیل وسعت محدود و موقعیت جغرافیایی حساس، نیازمند اعمال حاکمیت مستمر و نظارت دقیق بر فعالیت‌های اقتصادی و اکتشافی هستند. غفلت در ثبت و اعلام مالکیت رسمی، فقدان سامانه‌های نظارتی کارآمد و عدم پیگیری حقوقی مستمر، زمینه را برای حضور و بهره‌برداری طرف‌های خارجی فراهم کرد. در این میان، اعطای مجوزهای موقت به شرکت‌ها و نهادهای خارجی بدون ضوابط شفاف و کنترل دقیق، یکی از عوامل کلیدی در تسهیل استخراج منابع نفتی توسط امارات بوده است. تجربه عملی و بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که حجم استخراج روزانه نفت از این جزایر، رقمی معادل یک‌سوم صادرات نفت ایران در دوره حساس خروج دولت ترامپ از برجام تا آغاز دولت بایدن است، که به وضوح نشان‌دهنده اثرگذاری مستقیم غفلت مدیریتی بر منابع حیاتی کشور است.

در کنار مسائل مدیریتی، تمرکز سیاستگذاران داخلی بر مسائل کلان اقتصادی و تحولات بین‌المللی نیز

قابل توجه درآمدهای نفتی کشور است. کاهش این درآمدها، تأثیر مستقیم بر تولید ناخالص داخلی دارد، زیرا نفت یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی و پایه‌های اقتصاد ایران محسوب می‌شود. کاهش سهم نفت در تولید ناخالص داخلی، نه تنها توان مالی دولت برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی و توسعه‌ای را محدود می‌کند، بلکه ظرفیت کشور برای پاسخگویی به نیازهای اقتصادی و اجتماعی اقشار مختلف جامعه را نیز کاهش می‌دهد. اثرات غیرمستقیم این موضوع، از طریق کاهش نقدینگی، محدود شدن فرصت‌های سرمایه‌گذاری داخلی و کاهش توان رقابتی صنایع وابسته به انرژی، به شکل ملموسی بر اقتصاد کلان کشور مشاهده می‌شود.

علاوه بر تأثیر بر تولید ناخالص داخلی، فقدان بهره‌برداری از منابع استراتژیک، فشار بر بودجه دولت و افزایش کسری آن را تشدید می‌کند. کاهش درآمدهای نفتی باعث می‌شود دولت در تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای و پرداخت تعهدات عمومی با محدودیت مواجه شود و ناگزیر به اتکاب به منابع غیرپایدار یا استقرار از بازارهای داخلی و خارجی شود. این امر به نوبه خود می‌تواند رشد اقتصادی را کند کرده و توان دولت در اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و حمایت از بخش‌های مولد اقتصاد را کاهش دهد. همچنین، کاهش توان مالی دولت و محدودیت در سرمایه‌گذاری داخلی، ریسک خروج سرمایه و کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری خارجی را افزایش می‌دهد و به تضعیف جایگاه ایران در بازارهای انرژی و اقتصاد منطقه‌ای منجر می‌شود. بنابراین، مدیریت ناکافی جزایر آریانا و زرکوه، نه تنها موجب کاهش در آمد نفتی شده بلکه اثرات بلندمدت بر ساختار اقتصادی، ظرفیت رشد و ثبات مالی کشور دارد و ضرورت تدوین سیاست‌های پایدار و نظارت مستمر بر منابع استراتژیک را آشکار می‌سازد.

نگاهی به ابعاد حقوقی و امنیتی

ابعاد حقوقی و امنیتی جزایر آریانا و زرکوه، بخش جدایی‌ناپذیر از مسأله بهره‌برداری نفتی و مدیریت منابع استراتژیک ایران را تشکیل می‌دهد. بر اساس اصول حقوق بین‌الملل، مالکیت و بهره‌برداری از جزایر و منابع



طبیعی مستلزم اعمال حاکمیت آشکار، مدیریت مستمر و ثبت رسمی حقوق مالکیت است. فقدان نظارت دقیق، ثبت رسمی و پیگیری مستمر حاکمیت، زمینه را برای تحکیم مالکیت و بهره‌برداری طرف‌های خارجی فراهم می‌آورد. در این زمینه، بهره‌برداری امارات از جزایر مذکور به صورت قانونی و مستند در سطح بین‌المللی انجام می‌شود، زیرا ایند حضور و کنترل مستمر ایران، خلأ حقوقی ایجاد کرده و امکان تثبیت مالکیت خارجی را فراهم ساخته است. این تجربه، تأییدی روشن بر ضرورت تدوین سیاست‌های حقوقی پایدار، ثبت دقیق حقوق مالکیت و اعمال حاکمیت مداوم بر مناطق استراتژیک است، چرا که مدیریت منابع کوچک و حساس، تنها محدود به بهره‌برداری اقتصادی نیست بلکه تضمینی برای حفظ جایگاه قانونی کشور در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود.

ابعاد امنیتی این مسأله نیز به همان اندازه اهمیت دارد. کنترل جزایر و منابع نفتی محدود به مسود اقتصادی نیست و بخشی از توان دفاعی و بازدارندگی کشور را شکل می‌دهد. ضعف در مدیریت و نظارت بر این مناطق می‌تواند به تهدیدات خارجی، کاهش توان بازدارندگی و حتی نفوذ طرف‌های بیگانه در حوزه استراتژیک منجر شود. تجربه‌های جهانی نشان داده است که منابع حیاتی بدون اعمال نظارت و حاکمیت مستمر، همواره در معرض تغییر مالکیت یا بهره‌برداری غیرقانونی قرار دارند و اثرات بلندمدت آن بر امنیت ملی قابل توجه است. علاوه بر این، فقدان هماهنگی میان نهادهای مسئول و تمرکز ناکافی بر مدیریت مستمر،

ظرفیت ایران در پیشگیری از تهدیدات و کنترل منابع استراتژیک را کاهش می‌دهد. بنابراین، ترکیب اقدامات حقوقی و امنیتی، شامل ثبت مالکیت، اعمال حاکمیت مستمر و تقویت توان بازدارندگی، ضروری است تا از سوءاستفاده خارجی جلوگیری شده و جایگاه ایران در سطح ملی و بین‌المللی تقویت گردد.

راهکارها و سیاست‌های اصلاحی

برای جلوگیری از تکرار وضعیت کنونی جزایر آریانا و زرکوه و بازگرداندن کنترل منابع استراتژیک، اتخاذ مجموعه‌ای از راهکارهای حقوقی، دیپلماتیک و مدیریتی ضروری است. نخستین گام، پیگیری حقوقی مستمر در سطح بین‌المللی است؛ این اقدام شامل ثبت رسمی مالکیت، ارائه مدارک مستند حاکمیت و طرح دعای حقوقی در مجامع بین‌المللی برای تثبیت مالکیت ایران بر جزایر می‌شود. هم‌زمان، دیپلماسی فعال و هماهنگ با کشورهای همسایه و سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند فشار لازم را برای بازگرداندن کنترل منابع ایجاد کند و زمینه تعامل حقوقی و اقتصادی برای حل اختلافات را فراهم سازد. این اقدامات باید به شکل هماهنگ با سیاست‌های کلان اقتصادی و امنیتی کشور طراحی شوند تا اثرگذاری آن‌ها بر جایگاه ملی ایران در عرصه بین‌المللی و بازارهای انرژی به حداکثر برسد.

در کنار اقدامات حقوقی و دیپلماتیک، توسعه سامانه‌های دقیق نظارت و ثبت مالکیت از اهمیت بالایی برخوردار است. ایجاد ساختارهای مدیریتی که فعالیت‌های اقتصادی و اکتشافی در مناطق استراتژیک را به صورت مستمر رصد کنند، امکان سوءاستفاده طرف‌های خارجی را به حداقل می‌رساند و توان مدیریت داخلی را افزایش می‌دهد. هماهنگی میان نهادهای مسئول مانند وزارت نفت، وزارت امور خارجه و سازمان‌های نظارتی نیز از ضروریات این سیاست‌هاست تا تصمیم‌گیری‌ها همسو و مؤثر باشد. افزون بر این، افزایش آگاهی عمومی و نقش رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی شفاف و مستند، فشار اجتماعی لازم برای اصلاح مدیریت منابع را ایجاد می‌کند. بهره‌ها را نهادهای پژوهشی می‌توانند با تحلیل‌های دقیق اقتصادی، حقوقی و امنیتی، افکار عمومی و تصمیم‌گیرندگان را نسبت به اهمیت حفظ منابع استراتژیک حساس کنند و زمینه حمایت اجتماعی از سیاست‌های پایدار و اصلاحات مدیریتی را فراهم آورند. در مجموع، ترکیب اقدامات حقوقی، دیپلماتیک، مدیریتی و رسانه‌ای، چارچوبی جامع برای بازگرداندن کنترل جزایر و تقویت توان ملی در بهره‌برداری از منابع استراتژیک ارائه می‌دهد.

جمع‌بندی و چشم‌انداز آینده

تحلیل وضعیت جزایر آریانا و زرکوه نشان می‌دهد که فقدان مدیریت مستمر، غفلت حقوقی و ضعف نظارتی، منجر به از دست رفتن منابع نفتی و کاهش توان اقتصادی، امنیتی و دیپلماسی ایران شده است. بهره‌برداری امسارات از این جزایر، علاوه بر کاهش درآمدهای نفتی و فشار بر بودجه دولت، اثرات غیرمستقیم بر تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری داخلی و توان رقابتی کشور در بازارهای انرژی منطقه‌ای داشته است. از منظر حقوقی و امنیتی، فقدان ثبت رسمی مالکیت و اعمال حاکمیت مستمر، زمینه تحکیم مالکیت طرف‌های خارجی را فراهم کرده و توان بازدارندگی و امنیت ملی را تحت تأثیر قرار داده است. همچنین، تمرکز بیش از حد بر مسائل کلان اقتصادی و توافقات بین‌المللی، باعث شد منابع کوچک اما استراتژیک کمتر مورد توجه قرار گیرند و فرصت بهره‌برداری خارجی افزایش یابد. این تجربه، هشداري روشن برای ضرورت بازنگری در سیاست‌ها، تقویت هماهنگی میان نهادهای مسئول و اصلاح ساختارهای مدیریتی است.

چشم‌انداز آینده مستلزم تدوین و اجرای سیاست‌های جامع، مستمر و هماهنگ در حوزه منابع طبیعی و جزایر استراتژیک است. اقدامات حقوقی و دیپلماتیک برای تثبیت مالکیت و بازگرداندن کنترل منابع، توسعه سامانه‌های دقیق نظارت و ثبت مالکیت، و افزایش هماهنگی میان نهادهای مسئول، گام‌های کلیدی در جهت اصلاح مدیریت منابع هستند. همچنین، افزایش آگاهی عمومی و نقش فعال رسانه‌ها در مطالبه مدیریت بهتر، می‌تواند فشار اجتماعی لازم برای تحقق این اصلاحات را فراهم آورد. مدیریت پایدار و هدفمند جزایر آریانا و زرکوه نه تنها به معنای بهره‌برداری اقتصادی بهینه است، بلکه تضمینی برای حفظ امنیت ملی، جایگاه حقوقی ایران در سطح بین‌المللی و تقویت توان دیپلماسی کشور محسوب می‌شود. با اجرای سیاست‌های اصلاحی و نگاه بلندمدت، می‌توان از تکرار چنین خساراتی جلوگیری کرده و منابع حیاتی کشور را برای نسل‌های آینده حفظ و تقویت نمود.



دوشنبه ۲۴ آذر ۱۴۰۴- سال یازدهم- شماره ۳۳۷۵

آب و انرژی

انرژی

معاون رئیس جمهور: مشکلات حوزه انرژی را با ذینفع کردن مردم حل می‌کنیم



معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی، گفت: مشکلات و مسائلی نظیر اسراف، اتلاف و قاچاق در حوزه انرژی را با ذینفع کردن مردم حل خواهیم کرد.

به گزارش اقتصادسرآمد، اسماعیل سقاب اصفهانی به تشریح اولویت‌های سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی پرداخت و حل مشکلات و مسائلی همچون اسراف، اتلاف و قاچاق در حوزه انرژی با همراهی، مشارکت و ذینفع کردن مردم را از برنامه های دولت و این سازمان به ایرنا عنوان کرد.

سقاب اصفهانی، افزود: تنها از یک مسیر امکان حذف تعارض منافع، ویژه‌خواری‌ها و رانت‌خواری‌ها را داریم و آن چیزی نیست جز اینکه منافع این بخش در اختیار مردم قرار گیرد؛ اگر مردم میدان‌دار شوند می‌توان مشکل را حل کرد در غیر این صورت به هیچ وجه امکان حل این مسائل و مشکلات وجود ندارد. رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی اظهار داشت: ما خدمتگزار مردم هستیم و موظفیم مسائل و مشکلات را صادقانه، شرافتمندانه و صریح با آنان در میان بگذاریم، اگر قبول کردند که به عنوان خادم آنان انجام وظیفه خواهیم کرد و اگر نکته‌ای داشتند نیز قطعاً اصلاحات لازم صورت می‌گیرد.

سقاب اصفهانی همچنین در پاسخ به برخی شایبه‌ها درخصوص نقش مافیای سوخت و انرژی در تصادف خودرو خانواده و فوت همسر و ۲ تن از فرزندان‌ش، گفت: گزارش رسمی پلیس در این خصوص منتشر شده است اما حتی اگر فرض کنیم که این شایبه‌ها صحت داشته باشد، بنده بزگرین سرمایه زندگی یعنی همسر و فرزندانم را از دست داده‌ام که به هیچ وجه قابل بازیابی نیست. لذا از همینجا اعلام می‌کنم که اگر بنده را هزاران بار تکه تکه کنند، از مسیری که قرار دارم کوتاه نخواهم آمد و با قدرت به کارم ادامه خواهم داد.

۱۶۴ طرح حیاتی برای گذر از اوج بار تابستان اجرا می‌شود



مدیرکل برنامه‌ریزی و توسعه شبکه انتقال توانیر افزایش ظرفیت پستهای انتقال به میزان ۱۱ هزار و ۳۳۰ مگاوات آمپر و احداث ۲ هزار و ۳۶۹ کیلومتر خط انتقال را از جمله طرح‌های حیاتی گذر از تابستان عنوان کرد و گفت: تعدادی از این طرح‌ها اجرا شده و برخی نیز با بیش از ۷۵ درصد پیشرفت در حال اجراست.

به گزارش اقتصادسرآمد، هاشم علیپور تعداد طرح‌های حیاتی برای گذر از اوج بار تابستان آینده را ۱۶۴ طرح شامل ۱۰۸ طرح جدید و ۵۶ طرح باقی‌مانده از سال گذشته عنوان کرد که در مجموع ۱۴ طرح در حوزه بهبود شبکه، ۸۲ طرح افزایش ظرفیت پستهای برق به میزان ۱۱ هزار و ۳۳۰ مگاوات آمپر و ۶۸ طرح احداث خطوط انتقال به طول ۳۳۶۹ کیلومتر مدار را شامل می‌شود.

هاشم علیپور با اشاره به پیگیری مستمر گزارشهای این حوزه و دریافت هفتگی عملکرد شرکتهای برق منطقه‌ای از طریق سامانه سمپا، از بیش از ۷۵ درصد پیشرفت فیزیکی در اجرای ۴۱ طرح حیاتی شبکه انتقال برق در سال جاری خبر داد و افزود: همچنین از مجموع طرح‌های حیاتی، تاکنون ۲۸ طرح بین ۵۰ تا ۷۵ درصد، ۲۶ طرح بین ۲۵ تا ۵۰ درصد و ۶۹ طرح کمتر از ۵۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد.

گفتنی است تاکنون ۲ طرح از ۱۶۴ طرح حیاتی شبکه انتقال به بهره‌برداری رسیده و طبق برنامه زمان بندی، تا خرداد ۱۴۰۵ تعداد طرح‌های بهره‌برداری شده به ۱۵۱ طرح می‌رسد.

گزارش دفتر برنامه‌ریزی و توسعه انتقال توانیر حاکی است طی ماههای آتی و به تدریج ۶ طرح در آذر ماه جاری، ۳ طرح در دی‌ماه، ۶ طرح در بهمن‌ماه آتی و ۱۰ طرح در فروردین سال آینده برقرار می‌شود و بیشترین حجم بهره‌برداری از طرح‌های حیاتی، طی اسفند ۱۴۰۴ تا خرداد ۱۴۰۵ خواهد بود.